

جایگاه حقوق شهروندی در اندیشه امام خمینی (وظایف دولت اسلامی)

زینب طاهری^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۲۰

حمید ملک پور^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۱۷

چکیده

حقوق بشر و شهروندی از مسایل بنیادین عصر جدید هستند، به گونه‌ای که نه تنها هیچ اندیشمند سیاسی و اجتماعی و نظام سیاسی بی‌نیاز از پرداختن به آن نیست بلکه توجه به معیارها و گفتمان حقوق شهروندی به ضرورتی غیرقابل انکار در تاسیس و تثبیت نظامهای سیاسی تبدیل شده است. امام خمینی (ره) بعنوان فقیه سیاسی بنیادگذار نظام سیاسی جمهوری اسلامی با درک مطلوب این ضرورت به خوبی به شاخصه‌ها و ضرورت‌های اعمال حقوق شهروندی پرداخته است. در این مقاله تلاش شده است تا با رویکرد توصیفی-تحلیلی مواضع و ایده‌های امام خمینی (ره) در حوزه حقوق شهروندی بویژه با تاکید بر حق خلوت و حریم خصوصی، حق رفاه و حقوق اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد. آرا و ایده‌های امام خمینی از آن جهت اهمیت مضاعف دارد که مبنای تنظیم قانون اساسی و ساماندهی نظام جمهوری اسلامی قرار گرفته است. روش تحقیق در این مقاله کیفی از نوع توصیفی تحلیلی است. داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای گردآوری می‌شود.

واژگان کلیدی:

امام خمینی - حقوق بشر - حقوق شهروندی - حق خلوت - حق بر رفاه - حریم خصوصی

^۱ کارشناس ارشد حقوق خصوصی و مدرس دانشگاه Zeynab.taheri@gmail.com

^۲ حمید ملک پور، دکتری علوم سیاسی و مربی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

hamidma2001@yahoo.com

حقوق شهروندی (Citizenship Rights) یکی از مباحث بنیادینی است که همراه و همبستر مباحث حقوق بشری بویژه پس از روشنگری و تحکیم دولت - ملت ها مورد توجه قرار گرفته است و می توان گفت به درجاتی که حکومت ها و قوانین سراسری اهمیت یافته اند حقوق شهروندی و مسایل آن نیز اهمیت روز افزون یافته است.

حقوق شهروندی مجموعه حقوق و اختیاراتی است که افراد یک جامعه انسانی به موجب قانون از آن برخوردار می گردند، می توان گفت حقوق شهروندی تعبیری نوین از حقوق طبیعی است که در پیوند با فطرت و طبیعت بشری است و بر همه اعضا و شهروندان به صرف موجودیت طبیعی شان تعلق می گیرد و در مقابل شهروندان نیز به پاس چنین حقوق غیر قابل سلبی به همیاری اجتماعی و دارا بودن برخی تکالیف اجتماعی متعهد می گردند. نکته مهم این است که اگرچه "حقوق شهروندی" در صورت و لفظ مورد اجماع جهانی است و همه پارادایم ها و گفتمان های جهانی به آن باور دارند و عناصر آن را شریف و قابل تکریم می شمارند اما واقعیت آن است که توجیه و سنجش گفتمان حقوق شهروندی و عناصر آن ریشه در مبانی ارزشی و نگرشی بنیادین هر جامعه و گفتمانی دارد. گفتمان های حقوق سکولار در پی توجیه و بر ساختن حقوق شهروندی بر مبنای معرفت شناسی سکولار وهستی شناسی اومانستی اند و در مقابل گفتمان های حقوقی - سیاسی غیر سکولار(الهی) در پی توجیه و تثبیت حقوق و تکالیف شهروندان در دستگاه های فقهی - الهیاتی هستند.

حق حیات، حق کرامت، حق ازدواج، حق آسایش و رفاه، حق پیشرفت، حق آزادی(بیان، اندیشه و ...)، حق تابعیت و اقامت، حق اشتغال و ... همگی حقوق بنیادین و بشری هستند که گفتمان های حقوق شهروندی با توجه به تحولات نوین و تفاسیر متفاوت از بنیادها آنها را مورد تامل و بازتفسیر قرار داده اند و بدیهی است که هر تفسیری از این حقوق بصیرت های فکری و راهبردهای عملی و قانونی خاصی را ایجاب خواهد کرد.

با این مقدمه و تذکر اهمیت پیچیدگی نظری و عملی "حقوق شهروندی" در این پژوهش به ابعاد مختلف این مساله در دستگاه فقهی- سیاسی امام خمینی (ره) خواهیم پرداخت. دیدگاه امام خمینی (ره) به دو دلیل مهم در تحلیل مساله حقوق شهروندی بیش از سایر فقها و علمای معاصر حایز اهمیت است. نخست آنکه امام خمینی (ره) با تکیه به گفتمان فقه جواهری نوآوری های قابل توجهی را در فقه سیاسی - اجتماعی شیعه به دست داده است و دیگر آنکه ایشان در کنار وجه اندیشگی و فقیهانه در مقام یک فقیه موسس و بنیادگذار دارای شان سیاسی است و به جرات می توان گفت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مجموعه قوانین و مقررات مدنی، سیاسی و اقتصادی آن متأثر از گفتمان وی می باشد و درست به همین دلیل است که تحلیل گفتمان حقوق شهروندی امام خمینی (ره) تامل در گفتمان بنیادی حقوق شهروندی جمهوری اسلامی نیز هست و می تواند در ارزیابی وضعیت موجود نیز یاری رسان باشد.

به صورت کلی میتوان گفت در اسلام و فقه امامیه حقوق شهروندی را میتوان بر مبنای پنج قاعده ی مهم لاضرر، قاعده ی نفی حرج، قاعده ی تسلیط، قاعده ی اتلاف و قاعده ی تسبیب تحلیل نمود و به این قواعد به مثابه اصول و ارکان اصلی حاکم بر تدوین گفتمان حقوق شهروندی نگریم و امام خمینی (ره) نیز آنگاه که به حقوق شهروندان به صورت فردی و اجتماعی نظر دارد این قواعد را مد نظر داشته است. رویکرد های مختلف حقوق شهروندی بدان تمایل دارند تا مجموعه ایی از حقوق را برای شهروندان شناسایی نمایند که دولت حق سلب آنها را نداشته باشد و به همین دلیل در تدوین نظریات حقوق شهروندی نسبت دولت و شهروندان، تعریف از دولت و میزان اختیارات و دست اندازی های آن اهمیت زیادی دارد، در اینجا نیز مساله حدود و تکالیف دولت به عنوان یکی از پیش زمینه های تدوین گفتمان حقوق بشری در گفتمان امام خمینی (ره) مورد توجه قرار خواهیم داد .

۲- امام خمینی و مساله حقوق بشر و حقوق شهروندی

نخستین حق هر شهروند و هر انسانی ایجاد زمینه های رشد اوست. پس از آن باید محیط اجتماع فرصت رشد، توسعه و کمال را به افراد بدهد. بنابراین برقراری عدالت و اقامه قسط در جامعه وظیفه هر

حاکم و حق هر شهروند است « لَقَدْ ارسلنا رُسُلنا بِالْبَيِّناتِ وَ انزلنا مَعَهُمُ الْكِتابَ وَ الْمِيزانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ » قسط و عدل مطلوب هر انسان است، و در جای جای تعالیم اسلامی به آن امر شده است (نحل/ ۹۰؛ حجرات/ ۹) حتی اگر به ضرر شخصی باشد (نساء/ ۱۳۴). از دیگر حقوق شهروندان تامین امنیت ایشان در زمینه های مختلف مالی، جانی، کاری، حقوقی و شخصیتی می باشد. در آیات متعدد قران کریم از ظلم و تعدی به هر صورتی که باشد نهی شده است. اسلام این حق را نه تنها برای شهروندان حکومت اسلامی بلکه برای همه موجودات و انسانهای دیگر نیز محترم شمرده است. در چنین محیط امن و آرامی است که انسان می تواند به رشد و کمال خود بیندیشد. چنان که علت بعثت هم، رساندن انسانها به چنین مرحله ایست (آل عمران، ۱۶۴) یکی دیگر از مهمترین تعالیم دینی توجه به منزلت و کرامت همه انسانهاست « وَ لَقَدْ كَرَّمنا بَنِي آدَمَ » (اسراء، ۷۰) و آنچه موجب برتری کسی بر دیگری می گردد تنها تقوا است « ان اكرمکم عندالله اتقيکم » (حجرات، ۱۳). یعنی چگونگی عمل و رفتار است که موجب کسب فضیلتی افزون بر دیگری می شود، نه مظاهر دیگر آفرینش از قبیل رنگ پوست، جنسیت، نژاد و... بنابراین همه انسانها از حقوق مساوی برخوردار هستند. از دیگر حقوق شهروندان در یک حکومت اسلامی، زندگی در محیطی سرشار از صلح و صفاست. به همین دلیل به دوستی بین افراد اجتماع سفارش شده است (انفال، ۱؛ نساء ۳۴). تا جایی که در قران کریم آمده است « انما المومنون اخوه فاصلحوا بین اخویکم » (حجرات، ۱۰) بنابراین نه تنها مومنان برادر یکدیگر شمرده شده اند، بلکه ایجاد صلح و آشتی هم از وظایف همه شهروندان است.

نهضت انقلاب اسلامی ایران با رهبری امام خمینی، فرصت مناسبی فراهم آورد تا برای اولین بار یک فقیه جامع الشرایط و برجسته اقدام به تاسیس یک نظام سیاسی کند، آرا و اندیشه ها و دیدگاههای خود را درباره مسایل مختلف از جمله حقوق بشر و آزادی های عمومی با بهره گیری از منابع فقه و در رابطه با جامعه سیاسی اسلامی ارائه دهد. نظام حقوق بشر و آزادی های عمومی ارتباط نزدیکی با مفهوم فطرت انسان دارد. حضرت امام خاستگاه آزادی را فطرت الهی انسان می دانند. اعتقاد به عظمت و قدرت خداوند، فکر آزادی را در ذهن هر مسلمان پدید می آورد و غریزه بهره کشی از انسان های دیگر را در او سرکوب می کند.

در بحث حقوق بشر و آزادی های عمومی، مساله کرامت انسان از اهميت ویژه ای برخوردار است. بنا بر نظر امام سلب آزادی انسان به وسیله دیگران، حوزه قدرت سیاسی یا قدرت های دیگر، منجر به انحطاط و سقوط بشر شده و توهین به کرامت او محسوب می شود. در میان مفاهیم مهم حقوق بشری معیاری که جهت سنجش آن در یک حکومت مورد ارزیابی قرار می گیرد مفهوم آزادی جامعه است. به عقیده امام خمینی آزادی حق اولیه بشر است که در همان آغاز خلقت به او اعطا شده است. آزادی که همواره امام از آن به نعمت بزرگ الهی، هدیه آسمانی و امانت الهی یاد می کند امتیاز به حساب نمی آید تا دولتی آن را اعطا و یا احیانا پس بگیرد. آزادی حقی است همانند حق حیات که آدمی قبل از تشکیل جامعه و دولت از آن برخوردار است و دولت نیز موظف به پاسداری از حریم آن است. حضرت امام خمینی (ره) همچنین در خصوص رعایت شئونات و حفظ حقوق شهروندی به دولتمردان و قانونگذاران و دست اندرکاران توصیه نموده که قدر این ملت را بدانند و در خدمتگزاری به آنان خصوصاً مستضعفان و محرومان و ستمدیدگان که نور چشم و اولیای نعمای همه هستند و جمهوری اسلامی ره آورد آنان و با فداکاری های آنان تحقق پیدا کرد و بقای آن نیز مرهون خدمات آنان است، فروگذار نکنند و خود را از مردم و آنان را از خود بدانند و حکومت های طاغوتی را که چپاولگرانی بی فرهنگ و زورگویانی تهی مغز بودند و هستند را همیشه محکوم نمایند، البته با اعمال انسانی که شایسته برای یک حکومت اسلامی است. حضرت امام در صحیفه نور در خصوص منع تبعیض در اسلام نیز چنین بیان نموده است که: "من مکرر اعلام کرده ام که در اسلام نژاد، زبان، قومیت و گروه و ناحیه مطرح نیست. تمام مسلمین - چه اهل سنت و چه شیعی - برادر و برابر و همه برخوردار از همه مزایا و حقوق اسلامی هستند. از جمله جنایت هایی که بدخواهان به اسلام مرتکب شده اند ایجاد اختلاف بین برادران سنی و شیعی است." (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۵، ۱۹، ۵۵). امام خمینی (ره) در مصاحبه با روزنامه «تمپو» می فرماید: بزرگترین آرزوی من این است که مردم ایران از چنگال ظلم نجات پیدا کنند و صاحب کشوری باشند آزاد و مستقل. دارای نظامی اسلامی که در آن حقوق انسانها آنچنان که اسلام دستور داده است رعایت شود و در راه پیشرفت و ترقی و سعادت انسانی سرمشق برای همه ملتها

باشند. (امام خمینی، ۵، ۴۴۰) اقلیتهای مذهبی نیز همه محترم هستند و حقوق آنان در اسلام و جمهوری اسلامی محفوظ است. (امام خمینی، ۵، ۵۴۰) خارجیها می گویند حقوق بشر. کدام بشر؟ اینها [اعدام شدگان] بشر را کشتند، اینها مجرمند، متهم نیستند؛ اینها آدم کشتند. ما از دوستان فرانسوی خود تشکر می کنیم که از ما در مدت اقامت در آن کشور دوستانه پذیرایی کردند و به من فرصت دادند که از پاریس پیامهای خود را به ملت عزیز ایران برسانم، ولی از دوستان فرانسوی انتظار نداشتم که به خاطر چند نفر جنایتکار و دزد و مجرم، حقوق بشر را به رخ ما بکشند و در انقلاب اصیل ایران - که به خواست خدا ملتی ستمدیده به ندای حق پاسخ مثبت داده اند - به بهانه حقوق بشر ما را مورد عتاب و خطاب قرار دهند. خوب بود حقوق بشر را هنگامی که رژیم فاسد پهلوی زیر پا می گذاشت و هزارها جوانان این کشور را شکنجه می کرد و به خاک و خون می کشید، به کمک ملت مستضعف ایران برمی خاستند و از حقوق بشر دفاع می کردند. (امام خمینی، ۷،

(۸۹)

در بررسی حقوق شهروندی از منظر امام چند نکته باید مورد توجه قرار گیرد: نکته اول اینکه نظر امام خمینی را باید به عنوان یک فقیه بررسی کنیم نه فیلسوفی سیاسی یا اندیشمندی اجتماعی. فیلسوفان و اندیشمندان سیاسی - اجتماعی با مبانی فکری خاصی که برگرفته از جریان تاریخی و اندیشه‌ای تاریخ غرب است به موضوع حقوق انسانها پرداخته‌اند و امام خمینی در مقام فقیهی سیاسی که معتقد و مقید به دین اسلام است با مبانی فکری و اعتقادی اسلام به موضوعات و مباحث نگریسته است. (فاضلی، ۹۱، ۵۷) به دلیل جایگاه رهبری امام خمینی نظر و عمل ایشان در باب حقوق و آزادی‌های فردی به هم پیوند خورده است؛ یعنی امام خمینی زمانی که قیام را شروع کردند به بیان نظراتشان درباره حقوق و آزادی‌های فردی هم پرداختند و پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز که در جایگاه رهبر دینی و سیاسی جامعه قرار گرفتند از موضع رهبری با صدور فرمانها و دستوراتی از جمله فرمان هشت ماده‌ای سعی در عملی کردن اندیشه‌های اسلامی خویش در جامعه داشتند. نکته دوم اینکه اگر امام به فرض به صورت اثباتی بر حقوق سیاسی مردم تأکید نکرده باشند به صورت سلبی بر حقوق مردم در قبال حکومت تأکید کرده است. به گونه‌ای که امام

یکی از عوامل نامشروع بودن رژیم پهلوی را تضییع و سلب حقوق و آزادی‌های مردم می‌دانست. نکته سوم اینکه مرکز ثقل اندیشه امام خمینی سعادت است. از نظر امام خمینی راه سعادت هم اجرای احکام اسلامی است. سعادت در این مفهوم هم شامل آسایش دنیوی و هم رستگاری اخروی است. نه فقط اندیشه سیاسی امام خمینی بلکه تمام دغدغه‌های فکری و نوشته‌های قلمی امام حول محور سعادت انسان است. امام خمینی (س) اجرای احکام اسلامی را که موجب سعادت انسان است جز از طریق تشکیل حکومت اسلامی عملی نمی‌دانست و در نتیجه در نظر و عمل سیاسی خود تشکیل حکومت اسلامی را به عنوان هدف اصلی و نهایی خود انتخاب کرد، چون آن را عامل اصلی سعادت انسان می‌دانست. (رنجبر، ۱۳۸۲، ۸۵-۸۷)

در نگاه امام خمینی دو بعد سلبی و ایجابی آزادی انسان در حوزه عمل و کنش مورد توجه قرار گرفته است که اولی بیان کننده حوزه عدم مداخله دیگران است که هیچ فردی حق ندارد انسان یا جامعه و ملتی را از آزادی محروم کند. (جمشیدی، ۱۳۸۴، ۲۴۴) حوزه بهره‌مندی از آزادی به دو حریم عمومی و خصوصی تقسیم می‌شود که امام خمینی آزادی در هر دو این حوزه‌ها را مدنظر داشته است. امام خمینی معتقد است حکومت اسلامی دو وظیفه مهم دارد که باید آنها را در ارتباط با یکدیگر تحقق بخشید: یک، حفاظت از آزادی‌های مردم. دو، اجرای احکام و حدود الهی. این دو اصل حدود آزادی را نیز تعیین می‌کند. (جمشیدی، ۲۶۱)

امام خمینی معتقدند پس از انقلاب اسلامی از تحولات ذاتی مردم ایران اعتقاد به این امر است که مردم دارای حق هستند و حکومت وظیفه دارد این حق را رعایت کند و حرمت آن را نگه دارد. بر همین اساس از مهم‌ترین توصیه‌های امام در دیدارهای مکرری که با مردم و مسئولان داشته‌اند توجه به حقوق مردم و عدم تجاوز به آن و جلوگیری از وارد شدن ظلم به افراد جامعه است. (رنجبر، ۱۲۴) ایشان در دیداری که با مسئولان وزارت کشور و استانداران در سال ۱۳۶۱ داشتند می‌فرمایند: نباید با مردم طوری کرد که مردم در خانه‌هایشان مطمئن نباشند، در زندگیشان، در تجارتشان در کسبشان مطمئن نباشند. دولت اسلامی باید مردم را مطمئن کند در همه چیز. در سرمایه‌هاشان در کسبشان، در کارخانه‌هاشان، در همه چیز، مردم در آرامش

باشند و دولت ابداً نمی‌تواند که تأذی بکند به آنها و نباید تأذی بکند. و اگر یک کسی تأذی کرد آن تأدیب خواهد شد. (امام خمینی، ۱۷، ۱۶۱)

امام خمینی حتی در روزهای اوج مبارزات انقلاب که خشونت‌ها نیز افزایش یافته بود نسبت به رعایت حقوق افراد نگران است و در ۱۹ بهمن ۱۳۵۷ اعلام می‌کند: «ملت محترم ایران باید بداند که دیانت مقدس اسلام، جان و مال انسانها را محترم شمرده و تجاوز به آن را از محرمات عظیمه می‌داند». (امام خمینی، ۵، ۴۰۲) امام خمینی همچنین نسبت به سوء استفاده از اختیارات و قدرتی که در اختیار گروه‌هایی از جامعه برای تأمین امنیت نهاده شده هشدار می‌دهد: خوف آن است که اسلحه در دست شما جوانان عزیز موجب غرور و سرکشی شود ... و با سوء رفتار با برادران خود صدق و صفا رخت بریندد و به جای آن کدورت و جفا جایگزین شود، و آن روز فاجعه‌ای است برای اسلام و مصیبت دردناکی است برای شما و یارانتان. (امام خمینی، ۱۷، ۳۹۱)

امام خمینی نسبت به کارهایی که در شرایط ملتهب و متغیر سال‌های آغازین انقلاب به دست گروه‌های انقلابی و کمیته‌ها صورت می‌گرفت نگرانی عمیقی داشتند و در مناسبت‌های مختلف در سخنرانی‌های خود نسبت به قانون‌شکنی و برخی کژکارکردهای اعضای این گروه‌ها هشدار می‌دادند. از جمله در دیداری که با اعضای کمیته‌های انقلاب تهران در سال ۱۳۵۸ داشتند می‌فرمایند:

پاسداری در این مرحله این است که از عدالت پاسداری کنید؛ از حکومت عدل پاسداری کنید. اگر خدای نخواست، فرض کنید یک نفر جوان مسمای به پاسدار به رفیقش، به منزل یک کسی، به خانه یک کسی، به مال یک کسی، تعدی بکند، آن از پاسداری خودش همین‌طوری مخلوع است. (امام خمینی، ۸، ۳۱۹)

امام خمینی به شدت نسبت به نحوه رفتار با مردم حساس بودند، ایشان می‌فرمایند: «احدی حق ندارد با مردم رفتار غیراسلامی داشته باشد». (امام خمینی، ۱۷، ۳۴۰) و در جای دیگری به صراحت نظر اسلام را نسبت به

حقوق بشر اعلام میدارند که: اسلام هم حقوق بشر را محترم می‌شمارد، و هم عمل می‌کند. حقی را از هیچ‌کس نمی‌گیرد. حق آزادی را از هیچ‌کس نمی‌گیرد. اجازه نمی‌دهد که کسانی بر او سلطه پیدا کنند که حق آزادی را به اسم آزادی از آنها سلب کند. (امام خمینی، ۱۴، ۶۹)

۳- حق بر خلوت و حریم خصوصی

افراد در زندگی خود، ناگزیر از داشتن یک سلسله روابط خصوصی، عمومی، شغلی و خانوادگی می‌باشند. طبیعت این روابط بگونه‌ای است که از کسی پوشیده نمی‌ماند و دانستن آن اصولاً بلاشکال است. اما هرکس برای خود مسائل صددرد صد خصوصی دارد که شرط لازم، سری بودن و عدم افشای آن می‌باشد. اصل ۲۵ قانون اساسی امنیت خلوت افراد و نفی تجسس را مورد تایید قرار داده است. با نگاه به آن اصل ملاحظه می‌گردد که قانونگذار اساسی برای اصل امنیت ارتباطات افراد استثناء قانونی را پذیرفته است تا براساس آن، حریم افرادی که احتمالاً امنیت و آسایش اجتماع را بر هم می‌زنند، مورد تفتیش قرار گیرد. البته اعمال این ضرورت باید به ترتیبی باشد که به حرمت اشخاص ضرر و زیانی وارد نشود. قانون اساسی تشخیص مبنا را بر عهده قانونگذار گذاشته است. (هاشمی، ۱۳۸۴، ۲۸۷)

امروزه، وجود ابزار پیشرفته فنی و الکترونیکی تجسس و سهولت استخدام آنها توسط دولت‌ها، خطری بسیار جدی علیه حرمت زندگی خصوصی افراد به شمار می‌رود، از این طریق است که عملاً امنیت و آزادی‌های فردی سلب، اسرار مردم فاش و خلوت و شئوون خانوادگی افراد به‌راحتی در معرض دید و شنود قدرتمندان کارگزاران قرار می‌گیرد. در زمان حاضر ورود به حریم افراد، از طریق استماع مکالمات تلفنی، بسیار آسان از ورود بدون اجازه به خانه اشخاص امکان‌پذیر است. ارتکاب چنین اعمالی، به‌طور قطع و یقین، سلب امنیت حقوقی افراد و تجاوز بی‌پروای حکومت بر حقوق مردم تلقی می‌گردد. برای مقابله با این خطر قویاً محتمل، قوه مقننه در مقام وضع قانون دقیق و مقررات جزایی متناسب و همراه با ملاحظات اخلاقی

شایسته، رسالتی بس خطیر دارد. (هاشمی، ۲۸۹)

در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) آمده است: "من أتى شيئاً من هذه القاذورات فليستر بستر الله، فانه من يبذلنا صفحته، نقم حد الله تعالى عليه". (عوده، ۱۳۸۹، ۲۲۳) یعنی اگر کسی چیزی از این اعمال پلید را انجام دهد، باید تحت پوشش الهی پنهان بماند، اما کسی که اعمال پلیدش را برای ما آشکار نماید، حد خداوند را بر او جاری می‌کنیم. منظور از آشکار نمودن این است که به طریقی برای دیگران هویدا گردد و ممکن است گاهی به واسطه حس شنوایی برای ما آشکار گردد، گاهی با حس بویایی، گاهی با حس بینایی و گاهی نیز با حس لامسه ظاهر گردد.

نگاهی به آیات، احادیث و روایات نشان می‌دهد که حکومت اسلامی وظیفه‌ای در افشاء، اثبات و مجازات اعمال شخصی و خصوصی افراد تا جایی که مربوط به خود شخص می‌شود، ندارد؛ حتی اگر مرتکب عمل ممنوع و گناهی شود تا انعکاس اجتماعی پیدا نکرده و جامعه در معرض آسیب دیدن آن قرار نگرفته است حکومت باید از تجسس و کشف موضوع خودداری ورزد. (مهرپور، ۱۳۷۴، ۱۶۳) یعنی گناهی را که انسان در خفا و خلوت خود انجام داده بایستی بین او و خدای خود پنهان بماند.

بنابر اصل ۲۵ قانون اساسی، هرگونه تجسس جز به حکم قانون و در موارد خاص ممنوع اعلام شده است که به نظر می‌رسد مفاد این اصل متخذ از آیه شریفه ۲۱ سوره حجرات باشد که با عبارت «لا تجسسوا» شارع مقدس تجسس را ممنوع کرده است. در آخر اصل می‌گوید: مگر به حکم قانون یعنی در نظام حکومتی حتماً مواردی پیش می‌آید که دستگاه حاکمه و مدیریت کشو نیازمند اطلاع از وضع یک شخصیت حقیقی یا حقوقی است، تا بتواند نقشه‌های دشمنان داخلی و خارجی را خنثی کند و به همین جهت در هر نظام حکومتی، اطلاعات، یک رکن بسیار سنگین و محکم است که امنیت کشور به مقدار زیادی به آن بستگی دارد. که در این مواقع ضروری به حکم قاضی هرگونه تجسس مجاز می‌باشد که طبعاً قوانین هم در نحوه عمل وجود خواهد داشت. (الواری، ۱۳۸۷، ۲۹)

حضرت امام خمینی در تاریخ ۱۳۶۱/۹/۲۴ یعنی پس از گذشت نزدیک به چهار سال از پیروزی انقلاب اسلامی، فرمان هشت ماده‌ای خطاب به قوه قضائیه و تمام ارگان‌های اجرایی در مورد اسلامی شدن قوانین

و عملکردها صادر کردند و در این فرمان به بهترین نحو ممکن رویکرد نظام جمهوری اسلامی ایران رانسبت به مقوله حریم خصوصی و منع مداخله و تجسس در امور دیگران را نشان دادند و تمام ارگانها و مقامات را ملزم به رعایت حریم خصوصی شهروندان نمودند. ایشان در این فرمان اعلام نمودند: «در تعقیب تذکر به لزوم اسلامی نمودن تمام ارگان های دولتی بویژه دستگاه های قضائی و لزوم جانشین نمودن احکام اللّٰه در نظام جمهوری اسلامی به جای احکام طاغوتی رژیم جبار سابق لازم است تذکراتی به جمیع متصدیان امور داده شود. ۱-..... ۵- هیچ کس حق ندارد در مال کسی چه منقول و چه غیر منقول و در مورد حق کسی دخل و تصرف کند یا توقیف و مصادره نماید مگر به حکم حاکم شرع، آن هم پس از بررسی دقیق ثبوت حکم از نظر شرعی. ۶- هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آن ها وارد شود یا کسی را جلب کند یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید و یا نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیر انسانی - اسلامی مرتکب شود، یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند و یا برای کشف گناه و جرم هر چند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد و تجسس از گناهان غیر نماید یا اسراری که از غیر به او رسیده ولو برای یک نفر فاش کند. تمام این ها جرم و گناه است و بعضی از آن ها چون اشاعه فحشا و گناهان از کبائر بسیار بزرگ است و مرتکبین هر یک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی از آن ها موجب حدشرعی می باشد. ۷- آن چه ذکر شد و ممنوع اعلام شد، در غیر مواردی است که در رابطه با توطئه ها و گروهک های مخالف اسلام و نظام جمهوری اسلامی است که در خانه های امن و تیمی برای براندازی نظام جمهوری اسلامی و ترور شخصیت های مجاهد و مردم بی گناه کوچه و بازار و برای نقشه های خراب کاری و افساد فی الارض اجتماع می کنند و محارب خدا و رسول می باشند، که با آنان در هر نقطه که باشند و هم چنین در جمیع ارگان های دولتی و دستگاه های قضائی و دانشگاه ها و دانشکده ها و دیگر مراکز با قاطعیت و شدت عمل ولی با احتیاط کامل باید عمل شود، لکن تحت ضوابط شرعی و موافق دستور دادستان ها و دادگاه ها، چرا که تعدی از حدود شرعیه حتی نسبت به آنان نیز جایز نیست، چنان چه مسامحه و سهل

انگاری نیز نباید شود. و در عین حال مأمورین باید خارج از حدود مأموریت که آن هم منحصر است به محدوده سرکوبی آنان حسب ضوابط مقرر و جهات شرعیه، عملی انجام ندهند. و مؤکداً تذکر داده می شود که اگر برای کشف خانه های تیمی و مراکز جاسوسی و افساد علیه نظام جمهوری اسلامی از روی خطا و اشتباه به منزل شخصی یا محل کار کسی وارد شدند و در آن جا با آلت لهو یا آلات قمار و فحشا و سایر جهات انحرافی مثل مواد مخدره برخورد کردند حق ندارند آن را پیش دیگران افشا کنند، چرا که اشاعه فحشا از بزرگ ترین گناهان کبیره است و هیچ کس حق ندارد هتک حرمت مسلمان و تعدی از ضوابط شرعیه نماید. فقط باید به وظیفه نهی از منکر به نحوی که در اسلام مقرر است عمل نمایند و حق جلب یا بازداشت یا ضرب و شتم صاحبان خانه و ساکنان آن را ندارند و تعدی از حدود الهی ظلم است و موجب تعزیر و گاهی تقاص می باشد. و اما کسانی که معلوم شود شغل آنان جمع مواد مخدره و پخش بین مردم است، در حکم مفسد فی الارض و مصداق ساعی در ارض برای فساد و هلاک حرث و نسل است و باید علاوه بر ضبط آن چه از این قبیل موجود است آنان را به مقامات قضائی معرفی کنند. و هم چنین هیچ یک از قضات حق ندارند ابتدائاً حکمی صادر نمایند که به وسیله آن مأموران اجرا اجازه داشته باشند به منازل یا محل های کار افراد وارد شوند که نه خانه امن و تیمی است و نه محل توطئه های دیگر علیه نظام جمهوری اسلامی، که صادر کننده و اجرا کننده چنین حکمی مورد تعقیب قانونی و شرعی است. ۸-.... باید ملت از این پس که حال استقرار و سازندگی است احساس آرامش و امنیت نمایند و آسوده خاطر و مطمئن از همه جهات به کارهای خویش ادامه دهند و اسلام بزرگ و دولت اسلامی را پشتیبان خود بدانند و قوه قضائیه را در دادخواهی ها و اجرای عدل و حدود اسلامی در خدمت خود ببینند و قوای نظامی و انتظامی و سپاه پاسداران و کمیته ها را موجب آسایش و امنیت خود و کشور خود بدانند. این امور بر عهده همگان است و کاربستن آن موجب رضای خداوند و سعادت دنیا و آخرت می باشد و تخلف از آن موجب غضب خداوند قهار و عذاب آخرت و تعقیب و جزای دنیوی است...!". با نگاهی به پیام حضرت امام مشاهده می گردد که حضرت امام به عنوان رهبر حکومت دینی در بندهای ۷ تا ۷ پیام خود، حوزه دخالت کارگزاران و دولت

اسلامی در حریم خصوصی شهروندان را متذکر شده و ورود به مغازه ها ، محل کار و منازل افراد بدون اذن صاحب خانه برای جلب یا به نام کشف جرم و ارتکاب گناه؛ شنود تلفن، گوش دادن به نوار ضبط صوت دیگران به نام کشف جرم ؛ و تجسس از گناهان غیر و دنبال اسرار مردم را ممنوع دانسته و حتی فاش ساختن اسرار مردم را به هر عنوانی را جرم و گناه اعلام می دارد. حضرت امام ، تجسس در احوال دیگران را در صورتی جایز می داند که برای کشف توطئه ها و مقابله با گروهک های مخالف نظام جمهوری اسلامی که قصد براندازی نظام و ترور شخصیت ها را دارند و کار آنان مصداق افساد فی الارض است، انجام شود.

حضرت امام علاوه بر فرمان ۸ ماده ای، همچنین در پیام ها و بیانیه های مختلفی تجسس، تفتیش عقاید ، جاسوسی کردن، و تفتیش منازل را در غیر مفسدین و گروه های خرابکار مطلقاً ممنوع و خلاف اسلام دانسته است. (امام خمینی، ۱۷، ۱۳۳)

در کنار تمام تأکیدی که امام خمینی بر حفظ حریم خصوصی شهروندان داشتند در مواردی هم برای جلوگیری از توطئه ها و ضربه خوردن نظام و امنیت مردم هوشیاری و دقت مردم و مسئولان نسبت به مراکز توطئه را خواهان بودند و از مردم می خواستند تا کسانی را که احساس می کنند تحرکات مشکوک دارند یا در خانه های تیمی موجود در همسایگی شان فعالند معرفی کنند. حساسیتی که امام نسبت به کشف و خشی سازی توطئه ها داشتند ناشی از پیوند سرنوشت نظام جمهوری اسلامی و اسلام با یکدیگر بود، امام خمینی حفظ نظام را همپایه با حفظ اسلام و به عنوان ارزش برتر معرفی کردند. (جمشیدی، ۶۳) حضرت امام حفظ اسلام و جان مسلمان ها را از فرامین الهی می دانستند و بدین جهت از مردم می خواستند تا موارد مشکوک را گزارش دهند:

اسلام را همه باید حفظ بکنیم... واجب است بر همه ما، بر همه شما که اگر توطئه ای دیدید و اگر رفت و آمد مشکوکی را دیدید، خودتان توجه کنید و اطلاع بدهید. یک بیچاره ای به من نوشته بود که شما که گفتید که همه اینها باید تجسس بکنند یا نظارت بکنند، خوب، در قرآن می فرماید که: **وَلَا تَجَسَّسُوا**. راست است، قرآن

فرموده است، مطاع هم هست امر خدا، اما قرآن حفظ نفس آدم را هم فرموده است که هرکسی باید لَاتَقْتُلُوا
 أَنْفُسَكُمْ. (امام خمینی، ۱۵، ۱۱۶)

حضرت امام در فرمان هشت ماده‌ای نیز در کنار لزوم حفظ حریم خصوصی افراد و عدم تجسس در زندگی
 مردم بر کشف توطئه‌ها و دستگیری افراد محارب تأکید دارند ولی در برخورد با همین معاندین هم حفظ
 ضوابط شرعی و قانونی را واجب می‌داند: هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی
 بدون اذن صاحب آن‌ها وارد شود یا کسی را جلب کند، یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت
 نماید... آنچه ذکر شد و ممنوع اعلام شد، در غیر مواردی است که در رابطه با توطئه‌ها و گروهکهای مخالف
 اسلام و نظام جمهوری اسلامی است که در خانه‌های امن و تیمی برای براندازی نظام جمهوری اسلامی و
 ترور شخصیت‌های مجاهد و مردم بیگناه کوچه و بازار و برای نقشه‌های خرابکاری و افساد فی الارض اجتماع
 می‌کنند و محارب خدا و رسول می‌باشند، که با آنان در هر نقطه که باشند، و همچنین در جمیع ارگانهای
 دولتی و دستگاههای قضایی و دانشگاهها و دانشکده‌ها و دیگر مراکز با قاطعیت و شدت عمل، ولی با
 احتیاط کامل باید عمل شود، لکن تحت ضوابط شرعی و موافق دستور دادستانها و دادگاهها، چراکه تعدی از
 حدود شرعی حتی نسبت به آنان نیز جایز نیست، چنانچه مسامحه و سهل‌انگاری نیز نباید شود. (امام
 خمینی، ج ۱۷، ۱۴۱)

۴- حق رفاه و حقوق اقتصادی شهروندان

در حیطه حقوق بشر، حقوق اقتصادی به سلسله حقوقی اطلاق می‌شود که به منظور رفع بی‌عدالتی‌های اقتصادی
 برای فرد شناخته شده است. بر اساس ماده دو میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی، که دولت ایران نیز به آن پیوسته است،
 دولت‌های متعاقد باید با استفاده از حداکثر منابع موجود خود به منظور تامین تدریجی حقوق شناخته شده در این
 میثاق با کلیه وسایل مقتضی اقدام نمایند. درواقع، یکی از مصادیق مهم حقوق شهروندی، حقوق اقتصادی آنان است

که شامل حقوقی چون حق مالکیت، حق اشتغال و حق تامین اجتماعی می باشد. حقوق برابر اقتصادی در واقع آزادی ذاتی شهروند را ضمانت می کند زیرا در شرایط بردگی انسان حق مالکیت هیچ چیز حتی جانش را هم ندارد. بنابراین حق کسب و مالکیت و آزادی عمل در به کارگیری سرمایه به صورت مستقیم با شان و کرامت شهروند در ارتباط است. در جامعه ای که میان شهروندان در فراهم بودن شرایط شغلی و مالکیت تبعیض وجود دارد و عده ای محدودیت دارند می توان گفت که شهروندان در آن جامعه به یکسان ارزش و کرامت ندارند.

اهم موارد مربوط به تامین حقوق اقتصادی در قانون اساسی ایران عبارتند از: تضمین شغل و سیاست اشتغال (اصل ۳)، امنیت شغلی (اصل ۲۲)، حق تشکل های صنفی (اصل ۲۶)، حق اشتغال و آزادی انتخاب اشتغال و تساوی شغل (اصل ۲۸) و تعیین کار مناسب و منع کار اجباری (اصل ۴۳).

اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز به عنوان فصل الخطاب حقوق افراد کشورهای عضو در مواد ۲۳، ۲۴ و ۲۵ بر حق کار و انتخاب آزادانه شغل و برخورداری از شرایط منصفانه هر کسی تأیید می کند همانگونه که اصل ۲۸ قانون اساسی ایران تصریح می کند هرکس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. در اسلام حقوق اساسی و اقتصادی به ویژه حق مالکیت وجود دارد اصولی مانند: الناس مسلطون علی اموالهم، لا یحل مال امرء الا بطیب نفسه، لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام. بر این اساس چه افراد و چه حکومت ها حق ندارند بدون دلیل شرعی و قانونی و بصورت لجام گسیخته موجب محذوریت اشخاص از تصرف در اموالشان شوند چرا که اصل اولیه آزادی عمل افراد بر دارایی خویش است. در ماده ۳۱ قانون مدنی ایران آمده است: هر مالکی نسبت به مایملک خود حق هرگونه تصرف و انتفاع را دارد مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد. در این باره حضرت امام خمینی (س) به مسئولان عالی رتبه جمهوری اسلامی دستور داده اند: هیچ کس حق ندارد در مال کسی چه منقول و چه غیرمنقول و در مورد حق کسی دخل و تصرف کند یا توقیف و مصادره نماید مگر به حکم حاکم شرع آن هم پس از بررسی دقیق و ثبوت حکم از نظر شرعی.

اما مسئله دیگر در تعامل میان شهروند و دولت برخورداری شهروندان از مزایا و امکانات تامینی است یعنی دولت موظف است که در صورت نیاز شهروندانش تسهیلات رفاهی را در اختیار آنان به ویژه قشر آسیب پذیر قرار دهد. «و اما حکومت حق برای نفع مستضعفان و جلوگیری از ظلم و جور و اقامه عدالت اجتماعی همان است که مثل سلیمان بن داوود و پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) و اوصیای بزرگوارش برای آن کوشش می کردند، از بزرگ ترین واجبات و اقامه آن از والاترین عبادات است. کسانی هستند که زندگی خود را نمی توانند بچرخانند، نه مال به قدر اشاعه یک سال دارند و نه قوه کسب و کار و منفعت دارند. اینها مساکینی هستند که به واسطه پیری یا نقصان اعضا از کار افتاده باشند. دولت باید هر طور صلاح می داند آن‌ها را اداره کند...». (امام خمینی، ۱۳۶۶، ۲۵۹)

در اسلام اصول اساسی و اقتصادی، به ویژه حق مالکیت وجود دارد؛ اصولی مانند: «الناس مسلطون علی أموالهم»، «لا یحلّ مال امرء إلا بطیب نفسه»، «لا ضرر ولا ضرار فی الإسلام». بر این اساس چه افراد و چه حکومت ها حق ندارند بدون دلیل شرعی و قانونی و به صورت لجام گسیخته، موجب محذوریت اشخاص از تصرف در اموالشان شوند؛ چرا که اصل اولیّه، آزادی عمل افراد بر دارایی خویش است. در ماده ۳۱ قانون مدنی ایران آمده است: «هر مالکی، نسبت به مایملک خود، حق هرگونه تصرف و انتفاع دارد؛ مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد». در این باره حضرت امام (ره) به مسئولان عالی رتبه جمهوری اسلامی دستور داده اند: هیچ کس حق ندارد در مال کسی چه منقول و چه غیر منقول و در مورد حق کسی دخل و تصرف کند یا توقیف و مصادره نماید؛ مگر به حکم حاکم شرع، آن هم پس از بررسی دقیق و ثبوت حکم از نظر شرعی. (امام خمینی، ۱۳۶۸، ج ۱۷، ۱۴۰) ایشان آزادی بخش خصوصی را در جمهوری اسلامی این گونه مشروط کردند: آزادی بخش خصوصی به صورتی باشد تا هرچه بهتر بشود به نفع مردم محروم و مستضعف کار کرد؛ نه چون گذشته تعدادی از خدا بی خبر در تمام امور تجاری و مالی مردم سلطه پیدا کنند. (امام خمینی، ۱۳۶۸، ج ۱۸، ۱۵۸)

بر اساس اصل ۳۴ قانون اساسی «هیچ کس را نمی توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد، منع کرد» و همین طور طبق اصل ۶۵ همین قانون، دادگاهها باید علنی برگزار شود تا دعاوی و حکم، تحت تأثیر صاحبان قدرت و نفوذ، فیصله نیابد دستگاه قضایی نیز آزاد و رها نیست، این ارگان هم ضوابط و محدودیت هایی دارد. اختیارات این ارگان تا آنجا است که به حیثیت، شرافت، حرمت و آبروی شهروندان آسیب نرساند. حضرت امام (ره) حفظ حریم خصوصی اشخاص و شهروندان را در فرمان هشت ماده ای این طور بیان می کنند: هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آن ها وارد شود یا کسی را جلب کند یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید و یا نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیرانسانی - اسلامی مرتکب شود یا به تلفن و یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم و یا کشف مرکز گناه گوش کند و یا برای کشف گناه و جرم هرچند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد. (امام خمینی، ۱۴۰)

نتیجه گیری:

آنچه که بررسی و بازنگری مبانی فکری و اندیشگی نظام های سیاسی کنونی را ضروری می سازد برجسته شدن فرایندی به نام "انقلاب حق ها" است. انقلاب حق ها میراث روشنگری و جریانی است که می کوشد با کانونی ساختن "حق های طبیعی" (حقوق طبیعی) زیست انسانی و اجتماعی افراد را در نظام های سیاسی و قوانین و مقررات آنها را مورد ارزیابی قرار دهد. از این زاویه ممکن است تمامی کنشها و عملکرد یک نظام سیاسی بر اساس قانون و مقررات مصوب و مورد اجماع صورت گیرد اما با آرمانهای حقوق طبیعی هماهنگ نباشد.

حقوق طبیعی مجموعه ای از حقوق است که نوع انسان برحسب نیازهایش و فارغ از هرگونه ویژگی عرضی (نژاد، زبان، مذهب و جنسیت و...) بدان نیازمند است و حق برخورداری از آن را به صورت طبیعی داراست، حق بر حریم خصوصی، حق بر غذا، حق بر آزادی، حق بر امنیت، حق بر ازدواج و... از این دسته محسوب می شوند. مجموع این حقوق طبیعی را حقوق بشر هم می نامند و نظام های سیاسی و رژیم های بین

المللی نه تنها موظفند آنها را رعایت نمایند بلکه می‌کوشند تا "بر اساس" این حقوق قوانین و روندهای حکمرانی خود را تنظیم نمایند.

بر اساس پژوهش حاضر حقوق شهروندی ریشه در نیازهای طبیعی شهروندان دارد و اکنون به یک مطالبه عمومی تبدیل شده و همه نظام‌های سیاسی بایستی موضع خود را نسبت به آن روشن نمایند. پیداست که مصادیق و شاخص‌های حقوق شهروندی می‌تواند مورد بحث و چالش قرار گیرد که موضوع پژوهش حاضر نیست اما بدون تردید "حقوق شهروندی" یکی از شاخص‌های دآوری فعالیت نظام‌های سیاسی و نهادهای عمومی آن چون شهرداری‌ها محسوب می‌شود. پرسش مهمی که هنوز باقی‌است این است که آیا نظام‌های سیاسی غیرسکولار و مبتنی بر نظام حقوق الهی چون جمهوری اسلامی ایران چگونه می‌توانند آرمان‌ها و اصول حقوق شهروندی را بپذیرند؟ ایده کلی مقاله این است که از دیدگاه فلسفی و الهیاتی نسبت تباین بین حقوق طبیعی و الهی برقرار نیست و توجه به حقوق طبیعی به معنای وداع با حقوق الهی نیست و اینکه این حقوق بیشتر مورد توجه دانشمندان مغرب زمین بوده‌اند دلیل کافی برای انکار آنها در دستگاههای اندیشگی حکما و علمای اسلامی نبوده و نیست.

به سه دلیل مهم و مشخص دولت و نهادها عمومی و بخش خصوصی جمهوری اسلامی در ترسیم جایگاه حقوق شهروندی باید به بازخوانی و تفسیر نظرات امام خمینی بپردازند؛ نخست آنکه امام خمینی مرجع و فقیهی معادباور و مقال‌اندیش بوده و نظرات وی در تدوین و صورت بندی بخش مهمی از اندیشه سیاسی-اجتماعی اسلام معاصر موثر افتاده و این بدان معناست که ایشان آگاهانه به زیست مسلمانی و حقوق شهروندی در عصر مدرن توجه داشته‌اند و در این زمینه به اجتهاد و صدور حکم پرداخته‌اند. دلیل دوم اهمیت نظام فکری امام خمینی قرار گرفتن ایشان در جایگاه یک فقیه موسس است که یکی از مهم‌ترین انقلاب‌های قرن بیستم را رهبری کرده و نظام سیاسی و قانون اساسی برآمده از آن نیز مبتنی بر ایده‌های ایشان می‌باشد و بدون فهم کلیت اندیشه ایشان درک کنشها و واکنشهای سیاسی جمهوری اسلامی میسر نیست. سومین دلیل اهمیت نظریه امام خمینی پیرامون حقوق شهروندی ضرورت کارآمدی و نیازهای کنونی

نظام جمهوری اسلامی و نهادهای آن می‌باشد و برای پرداختن به این نیازها چاره‌ای جز بازخوانی و بازتفسیر ایده‌های اولیه رهبران فکری انقلاب بویژه امام خمینی وجود ندارد. در بررسی نسبت آرمان‌های حقوق الهی و حقوق شهروندی و مصادیق آن بایستی رهیافتی عملگرایانه و کمتر مبنی‌گرا اتخاذ نمود و در این صورت است که نتایج و انتظارات حقوق شهروندی در دامان حقوق اسلامی نیز نه تنها پذیرفته می‌شود بلکه مورد حمایت قرار می‌گیرد.

امام خمینی به جهت پذیرش ایده کرامت انسانی از طرفی و مصلحت‌های نظام سیاسی از طرف دیگر زمینه‌ای را برای پذیرش بسیاری از مصادیق مهم حقوق شهروندی چون حق بر خلوت و حقوق خصوصی، حق بر حاکمیت بر سرنوشت، حق بر آزادی عقیده و بیان، حق بر امنیت و رفاه و... فراهم آورده است و می‌توان نگاه وی را آغازی بر تدوین و اصلاح قوانین و مقررات مربوط به حقوق شهروندی به حساب آورد.

- منابع و ماخذ

- قرآن کریم
- نهج البلاغه، ترجمه علی دشتی، قم، نشر ناصر، ۱۳۸۵.
- اعلامیه‌های جهانی حقوق بشر، ۱۹۴۸.
- امام خمینی، تحریر الوسیله، موسسه نشر آثار امام، ۱۳۸۵.
- امام خمینی، روح الله، شرح جنود عقل و جهل، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۸۲.
- بخشنامه مورخ ۱۳۶۵/۶/۱۰ شورای عالی قضایی به کلیه دادسراهای عمومی و انقلاب اسلامی در خصوص منع تجسس و قرار دادن شنود در اسرار مردم برای کشف جرم.
- بیات، عبدالرسول، و جمعی از نویسندگان، «فرهنگ واژه‌ها»، قم، موسسه اندیشه و فرهنگ دینی، ۱۳۸۱.
- جمشیدی، محمدحسین، اندیشه سیاسی امام خمینی، تهران: انتشارات پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴.
- جوادی آملی، عبدالله، فلسفه حقوق بشر، عبدالله جوادی آملی، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۵.
- رنجبر، مقصود، حقوق و آزادی‌های فردی از دیدگاه امام خمینی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲.
- صحیفه نور، جلد ۱۹، ۲۰، ۱۷، ۶، ۱۴، ۱۹، ۱۷، ۴، ۱۰، ۱۱، مرکز نشر آثار امام.

طباطبائی، محمدحسین، میزان فی تفسیر القرآن، جلد چهارم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ج ۴، چاپ ششم ۱۳۷۹.

عوده، عبدالقادر، التشریح الجنائی الاسلامی، ترجمه ناصر قربان نیا و همکاران، تهران، نشر میزان. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قمی، عباس، سفینه البحار، تهران: کتابخانه سنائی، ج ۱، ۱۳۶۳.

قندی، مهدی، اخلاق شهروندی به روایت قرآن و نهج البلاغه، تهران، بنیاد هج البلاغه، ۱۳۹۲.

کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، انتشار، تهران، ۱۳۷۴

محلاتی، سروش، محمد، «نظریه امام خمینی (ره) درباره لاضرر و کاربرد آن در حقوق خانواده»، مجله راهبردی زنان، ش ۵۱، ۱۳۹۰.

مدرس، علی اصغر، حقوق فطری یا مبانی حقوق بشر، تبریز، نوبل، ۱۳۷۵.

مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان ۱، تهران، صدرا، ۱۳۷۳.

منصور میراحمدی، درآمدی بر آزادی های سیاسی از دیدگاه امام خمینی (ره)، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۱۳۸۶، ۵.

موحد، محمدعلی، در هوای حق و عدالت: از حقوق طبیعی تا حقوق بشر، تهران، کارنامه، ۱۳۸۴

مهرپور، حسین، دیدگاههای جدید در مسائل حقوقی، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ دوم ۱۳۷۴.

مهرپور، حسین، مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۷.

میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ۱۹۷۶.

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوب ۱۹۶۶.

هاشمی، سید محمد، حقوق بشر و آزادیهای اساسی، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۴.